

آیا انتظار یک شعار کلامی است، یا مجموعه‌ای از اقدامات قلبی و اجتماعی را در برمی‌گیرد؟

**منتظر کیست؟ معماری فعال و نقشی فراتر از یک تماشاچی ساده**

انتظار فراتر از یک صفت، یک حالت پویا و هوشیارانه از هستی انسان است. این واژه ریشه در بینش عمیقی دارد که آرزوی کمال را به عمل روزانه پیوند می‌دهد. منتظر بودن، سکون نیست، بلکه تمرکز انرژی درونی به یک هدف بزرگ و ارزشمند است؛ نقطه‌ای که در آن نخواستن وضعیت موجود، با ساختن وضعیت مطلوب جایگزین می‌شود. این آمادگی صرفاً در مورد ظهور منجی موعود نیست، بلکه تمایلی قلبی است. انتظار واقعی یعنی دست روی دست گذاشتن.

منتظر کیست؟ کسی که در زندگی روزمره خود تلاش می‌کند، تا دنیایش شبیه به آن دنیای آرمانی‌ای باشد که انتظارش را دارد. او منتظر نمی‌ماند تا حکومتی عادل شکل بگیرد؛ بلکه با اصلاح قلب و رفتار، افزایش آگاهی و مبارزه با استکبار جهانی زمینه‌ساز آن آینده می‌شود. اگر به زبان ساده بخواهیم بگوییم که منتظر کیست، پاسخ این است که منتظر کسی است که با درست زیستن و تلاش برای ساخت جامعه و جهانی بهتر، به ظهور کمک می‌کند. این آمادگی یک فرآیند مداوم است، به این معنا که هر قدمی که برای کسب قلب سلیم برمی‌داریم و هر نوری که بر تاریکی جهل و ستم می‌پاشیم، نقش ما را در تحقق وعده نهایی پررنگ‌تر می‌سازد.

بنا بر آنچه گفتیم، بهتر می‌توانیم درک کنیم که منتظر کیست، منتظر صرفاً نه یک ناظر، بلکه یک معمار فعال در بنای عصر موعود است که حضورش، جلوه‌ای از امید همیشگی اوست. منتظر باور دارد که عدالت نه یک حکم آسمانی، بلکه یک تصمیم زمینی است که باید هر روز در دل‌ها ساخته شود. این انتظار حقیقی، منتظر را به پلی میان آنچه هست و آنچه باید باشد، تبدیل می‌کند؛ پلی که هر روز نیازمند مرمت و تقویت با ایمان و عمل است. در نهایت پاسخ به سؤال منتظر کیست، آن است که منتظر کسی است که با ساختن نسخه کوچکی از بهشت در قلب خودش و اجتماع، جهان را برای ساخته شدن آن تصویر بزرگ‌تر آماده می‌کند. شیوه ساخت این نسخه کوچک بهشت توسط منتظر با انقلاب در جهان درون و بیرون او صورت

می‌گیرد. فردی که به مقام منتظر رسیده است، خصوصیات مثل جهاد با نفس، خودسازی، جهاد جهانی، تغییر سبک زندگی، اضطراب و استغاثه را در خودش ایجاد و سپس با تکرار زیاد، در وجودش ملکه ساخته تا توانسته به مقام عظیم منتظر برسد.

### خودسازی و دگرگونی قلب

مهم‌ترین و ارزشمندترین ویژگی شخص منتظر که به نوعی ستون نگهدارنده سایر خصوصیات و قوام دهنده شخصیت اوست، خودسازی و مراقبت از نفس است؛ زیرا تمام خصوصیات او بدون این ویژگی که منجر به سلامت قلب و طهارت نفس می‌شود، بی معنا و بی اثر هستند، جوری که دیر یا زود او را از گردونه مدعیان انتظار بیرون می‌اندازند. خودسازی و ایجاد آمادگی قلبی در فرد، مهم‌ترین نقش را در برطرف کردن موانع ظهور و تشکیل تمدن نوین جهانی دارد. این موضوع آنقدر جدی و حیاتی است که می‌توانیم یقین کنیم تمدن‌سازی الهی و جهانی بدون خودسازی فردی ممکن نیست. مشتاقان مقام انتظار باید معیارهای خاص تمدن اسلامی را بشناسند و خود را با اراده، تلاش، تمرین، استقامت و استمرار به این ویژگی شخصیتی تراز در تمدن نوین جهانی برسانند؛ در غیر این صورت هیچ‌گاه نمی‌توانند، تمدن‌های ناکارآمد، کهنه و فاسد جهان را کنار بزنند و تمدن الهی و انسانی را جای آن بنشانند؛ زیرا تمدن نوین موعود دارای یک نظم اجتماعی خاص است و این اجتماع از فرد به فرد ما تشکیل می‌شود.

علت آنکه قرن‌هاست ظهور امام مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) به تعویق افتاده، آن است که شیعیان و مدعیان انتظار به شکل جدی و اصولی به خودسازی و مراقبت از نفس پرداخته‌اند و خود را به شاخصه‌های تراز تمدن اسلامی نرسانده‌اند؛ اگر مشتاقیم که بدانیم، منتظر کیست و چطور می‌توانیم منتظر حقیقی شویم، ابتدا باید برای خودسازی و اصلاح نفس معرفت کافی کسب کنیم، معارفی مثل خودشناسی، خداشناسی، امام‌شناسی، شیطان‌شناسی و راه‌شناسی. بعد از آنکه این موضوع‌های مهم را از منابع و راه صحیحش آموختیم، وقت اجرا و عمل به آنهاست. به این معنا که فرد منتظر باید صفت‌های الهی و انسانی را در خودش پیاده کند و آنها را ملکه قلب خود سازد، این رویه را به صورت مداوم ادامه بدهد، تا به مرور به سیره امام معصوم شبیه‌تر شود. این سنخیت و تشابه قلبی با سیره و قلب امام باید تا جایی ادامه پیدا کند

که صلاحیت مقدمه‌سازی ظهور و سپس کارگزاری در دولت کریمه را پیدا کند. منتظر کیست؟ منتظر کسی است که به خوبی دریافته باید سبک زندگی خود را مطابق سبک زندگی آخرالزمانی تغییر دهد و الگوهای تغذیه‌ای و ورزشی خود را تنظیم کند، تا بتواند سلامت جسم و روحش را تضمین کند و این دو را هم‌زمان به میدان نفس‌گیر جهاد برای آوردن منجی بکشانند.

### تلاش برای بیداری مردم و انقلاب جهانی

تا اینجا از دریچه‌ای خاص به پاسخ سؤال منتظر کیست، پرداختیم؛ اما این گفته‌ها کافی نیست و شخصیت چندبعدی فرد منتظر ابعاد دیگری هم دارد. منتظر حقیقی کسی است که در کنار خودسازی و رشد فردی، به تلاش هدفمند برای عرضه دین واقعی به مردم جهان می‌پردازد. کسی که ضرورت حضور امام برای رسیدن به هدف خلقتش را فهم کرده، خودش را به عنوان یک انسان تعریف می‌کند، پس عمیقاً میل دارد که مردم زمین را به نقطه طلب امام برساند. چنین فردی نمی‌تواند، نسبت به سرنوشت دیگران بی‌تفاوت باشد و برای رسیدن آنها به امامشان جداً تلاش می‌کند. منتظر ابتدا صفات الهی را در خودش پیاده می‌کند، سپس در حد توانش برای ایجاد این صفات در دیگر افراد جامعه تلاش می‌کند.

پس منتظر حقیقی همواره در تلاش و مجاهدت به سر می‌برد، گام اول در مجاهدت خودسازی فردی است و گام بعدی کمک به بیداری دیگران با معرفی امام. از آنجا که حاکمان و سیاست‌مداران امروز جهان، فرماندهان جبهه شیطان هستند و در عرصه‌های مختلف قدرت گرفته‌اند، تمام توانشان را به کار می‌گیرند، تا دین خدا نتواند به حاکمیت جهانی برسد. صالحان و پاکان آخرالزمان جز آنکه در اغلب عرصه‌ها بسیار قدرت‌مند شوند، راهی ندارند. آنها برخلاف حزب شیطان، با نیت برپایی حکومت الهی در عرصه علوم مختلف پیشرفت کرده و قدرت می‌گیرند.

پس منتظر کسی است که همواره تلاش می‌کند، تا در زمینه‌های مختلف اعتقادی و ایمانی، علمی و اقتصادی، سیاسی و نظامی و ... رشد کند؛ البته منتظر همواره یقین دارد که کلید تمام فتوحات در دستان مبارک امام است و بدون خواست و اراده خدا هیچ‌کدام از این دستاوردها به دست نمی‌آیند، اما او موظف به تلاش و مجاهدت در این راستاست.

## اضطرار و استغاثه

فرد منتظر به چنان خودشناسی عمیقی رسیده که به خوبی می‌داند بدون امام معصوم، ناقص می‌ماند. او درک کرده که به دنیا نیامده تا فقط ازدواج کند، بچه‌دار شود، شاغل شود، مدرک تحصیلی‌اش را ارتقا بدهد و تمام عمرش را صرف این امور کند. منتظر متوجه روحی که از خدا در او دمیده شده، هست و به دنبال راهی برای شکوفایی و رشد این استعداد در خود است. فرد منتظر، توانسته ریشه‌های انسانیت را با تقوا و خودسازی در خودش حفظ کند. این فهم باعث شده که احساس نیاز شدیدی به وجود یک مربی متخصص و معصوم الهی برای رسیدن به مقام جانشینی خدا روی زمین حس می‌کند.

از آنجا که فرد منتظر با خودسازی و تزکیه نفس به شباهت زیادی به خداوند و امام رسیده، عاشق آنها شده و به اضطرار شدیدی برای پیوستن به آنها دچار می‌شود؛ درست مثل کسی که کودکش را گم کرده یا عزیزی را از دست داده است. اضطراری عمیق و دردمندانه که منجی را با تمام وجودش از خدا طلب می‌کند. او وجودش را از منیت‌ها، معشوق‌های کوچک و حقیر، گناه‌ها و بیماری‌ها پاک و تخلیه کرده، به همین دلیل هم با طهارت نفس توانسته میزبان عشق و غم امام شود. او خود را در مقام فقر مطلق می‌بیند و مستمندانه از خدا منجی خود و جهان را می‌خواهد. همین موضوع عامل رحمانیت و بصیرت او برای یافتن راهی برای نجات جهان است.

منتظر فردی رحمان نسبت به تمام مردم جهان، دل‌سوز و مهربان است، نه صرفاً نسبت به عده‌ای خاص. قلب او برای هر دردمند، فقیر، بی‌پناه و مظلومی در عالم می‌تپد و تنها راه نجات خود و تمام مردم جهان را در استغاثه فردی و جمعی در جهان می‌داند.